

شبه‌باشگاه فردوسی



کیترو یوسف پینا
شاعر و پژوهشگر

مرا گفت شمع‌ت چه باید همی؟
شب تیره خوابت نباید همی؟
پیمپای می تا یکی داستان
ز دفت‌رت برخوانم از باستان
پر از چاره و مهر و نیرنگ و رنگ
همه از در مرد فرهنگ و سنگ
بدان سروین گفتم ای ماهروی
مرا امشب این داستان بازگوی
مرا گفت گر چون ز من بشنوی
به شعر آری از دفت‌ر پهلوی

همت گویم و هم پذیرم سیاس
کنون بشنوی ای یار نیکی شناس
داستان «بیژن و منبژه» یکی از زیبا‌ترین داستان‌های شاهنامه فردوسی است و نه فقط در حماسه‌ملی ایران اهمیت دارد، بلکه یکی از معروف‌ترین داستان‌های عاشقانه ادبیات فارسی به‌شمار می‌آید که البته عشق با حماسه در آن پیوندی ناگسستنی دارد، زیرا قهرمان داستان «بیژن»، یکی از شجاع‌ترین پهلوانان ایران است که عاشق «منبژه»، دختر افراسیاب می‌شود، همان افراسیاب که پادشاه توران و بزرگ‌ترین دشمن ایرانیان است و آن‌گاه که به این رابطه عاشقانه پی می‌برد، دخترش را طرد می‌کند و بیژن را به اسارت در چاهی می‌اندازد و این دورا به مکافات عشق به سختی‌های فراوان دچار می‌سازد تا آنکه رستم از ایران به یاری بیژن می‌آید و در ماجرای جالب و جذاب این دو عاشق را نجات می‌دهد و به ایران می‌آورد و آن‌دو نیز با هم ازدواج می‌کنند. بیت‌های ابتدای این یادداشت برگرفته از مقدمه داستان است. آنجا که فردوسی از «دوست مهربان» خود یاد می‌کند که این داستان را برایش از «خداینامه پهلوی»، خواننده و حکیم تئوس آن را به نظم درآورده است. در این بیت‌ها «دفت‌ر باستان» یعنی خداینامه پهلوی، «چاره و مهر و نیرنگ و رنگ» به درآمیختگی عشق و حماسه در داستان اشاره دارد، «سنگ» یعنی وقار، «سروین» و «ماه‌روی» نیز همان دوست مهربان است.

پژوهشگران درباره این داستان چنین نوشته‌اند که اشاره فردوسی در مقدمه داستان به «مهربان دوست» که گویا بانویی مهربان است، به دلیل نقش ویژه معشوق مهربان و وفادار یعنی «منبژه» در داستان است که هم در اظهار عشق جسارت و پیشگامی دارد و هم دشمنی دیرینه ایران و توران را در برابر عشق و وفای خویش نادیده می‌گیرد.

همچنین این داستان را از سروده‌های دوران جوانی فردوسی می‌دانند که گویا داستانی مستقل بوده و حکیم تئوس آن را پیش از سرودن شاهنامه به نظم درآورده و بعدها آن را به‌عنوان جزوی از روایت حماسه ملی ایران در شاهنامه آورده است. زبان این داستان نیز اگرچه در عالی‌ترین سطح است، نشانه‌هایی در آن می‌توان یافت که با توجه به آن‌ها بعید نمی‌نماید اگر آن را سروده دوران جوانی فردوسی بدانیم.

ادب نگاره



زفر میرزاییان، شاهنامه پژوه و روزنامه نگار اهل تاجیکستان، درگذشت.

این پژوهشگر که در دانشگاه شهرکولاب تدریس می‌کرد، همچون عموم مردم تاجیکستان دلبسته ایران فرهنگی بود.

در کارنامه فرهنگی او برگزاری برنامه‌های شاهنامه خوانی و تبلیغ مهر و دوستی فردوسی و فرهنگ ایرانی دیده می‌شود.

وی هنگام مرگ ۷۴ سال داشت.

زین‌تقدیر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

ناوبراسته

دهک‌های پایین، دهک‌هایی هستند که محرومیت بیشتری دارند و باید توجه بیشتری به آن‌ها شود و این سیاست لا‌یتغیر حرکت خواهد کرد و نیازمند این است که مبلغ اعتباری در روز ها و ماه‌های آتی افزایش یابد یعنی آن ۸۰ هزار تومان افزایش پیدا کند.

نکته

«این سیاست لا‌یتغیر حرکت خواهد کرد»

۱. سیاست لا‌یتغیر چطور حرکت می‌کند؟

۲. در چنین خبری ساده، واژه «لا‌یتغیر» سنگین است و جای آن در متن‌های فلسفی است.

۳. اگر گوینده در کار بست واژه‌هایش دقت نکرد، رسانه باید آن را ساده‌سازی کند.

#زین-تقدیراسی

لحظاتی در کتابخانه قدیمی «یاس نبی» که صاحبش به مردم کتاب هدیه می‌دهد

«خواندن» در حوالی خیابان جنت

مریم محبی

تقد و گو

هفده سال است در یک چهار دیواری کوچک، کتاب روی کتاب گذاشته و حالا این چهار دیواری واقعا برای خودش یک کتابخانه تمام عیار شده است. پیش‌تر، اگر گذرتان به اینجا می‌افتاد، لابد لای کتاب‌ها، دو سه تا صندلی هم برای نشستن پیدا می‌شد. اما انبوه کتاب‌هایی که حالا هر روز از روز قبل بیشتر می‌شود، این فضا را محدودتر کرده است و البته پروپیمان‌تر. با این حال، یک نفر که اجازه می‌دهد با ملاحظه چند قدم برداری و لابد لای کتاب‌ها سرک بکشی، هرچند حجم بیشتر این کتاب‌ها را کتب دینی و مذهبی و ادعیه تشکیل می‌دهد، با یک جست‌وجوی دقیق‌تر، می‌توان، لیلی و مجنون، و «جادوانه زیستن، در اوج ماندن، فروغ فرخزاد یا، قلعه حیوانات، جرج آرول را هم پیدا کرد. به قول خودش: «همه چیز دارم. رمان و داستان هم دارم. اینجا کتابخانه سیدعلی سیف است که هفده سال پیش در یکی از پاساژهای خیابان جنت آغاز به کار کرد و همچنان برقرار است. کتابخانه‌ای که برای خودش یک مرکز فرهنگی کوچک و جمع‌وجور و جایی است که اگر گذر آدمی به آن بیفتد، دست خالی بر نمی‌گردد. سیف کتاب‌های بسیاری دارد که رایگان در اختیار متقاضیان و بازدیدکنندگان قرار می‌دهد. اتفاق خوبی که پای ما را هم به اینجا باز کرد و گپ‌وگفتی را با او رقم زد. این فعال فرهنگی خودش نیز در زمینه‌های دینی کتاب‌هایی چون «مد و مدرپرستی» و «فرشته انس» را به چاپ رسانده است.

کتاب فروشی نه، کتابخانه آری

اگر چه این فضا در یکی از مغازه‌های یک پاساژ فراهم شده است. نباید آن را کتاب فروشی دانست، چون آنچه سبب شکل‌گیری اش شده، فروختن کتاب به مردم و کسب درآمد از آن نیست. خدمات فرهنگی در اینجا رایگان انجام می‌شود و کتاب‌ها به صورت هدیه در اختیار مردم قرار می‌گیرد. بانی این مرکز فرهنگی مردمی آن را فراهم کرده تا بگوید: «خواندن کتاب کسب لذت بی‌پایانی است که به آسانی میسر می‌شود و حیف است که این لذت را فراموش کنیم.»

می‌گوید یک خانه ۴۵-۴۰۰ متری در خیابان حرعاملی داشته که آن را برای تأمین هزینه‌های اولیه این کار فروخته: «آمدم در کار کتاب. مرتب کتاب تهیه کردم و خوشبختانه کتاب‌هایی هم از طرف مردم به‌آسانی به دستم می‌رسد. قرار هم نیست از این کار پول در بیاورم.» او کار جهادی را ارجح بر کسب درآمد معرفی می‌کند: «می‌توانستم در می‌توانم در همین زمینه درآمد به دست بیاورم، اما عشق و علاقه عجیبی به کار جهادی دارم. نباید از این نکته غافل شد که خداوند چه مسئولیت و تعهدی بر عهده ما در برابر انسانیت و جامعه گذاشته است. در همه سال‌هایی که مشغول این کار هستم متوجه شده‌ام که فضا روز به روز دارد بهتر می‌شود و مردم اقبال بیشتری به مطالعه نشان می‌دهند. از طرفی، به برکت آن، روشنائی بیشتری به زندگی‌ام تابیده است.»

سید علی سیف: اگر دین را به معنای واقعی در بطن جامعه پیاده کنیم و انسان‌ها را کتاب‌خوان و با معیارها و ملاک‌های دین آشنا کنیم جواب می‌گیریم. حتما جواب می‌دهد که من هفده سال است دارم این کار را انجام می‌دهم، البته شرطش این است که نخست نیازهای بنیادینی چون کار، اقتصاد، بهداشت و دارو و درمان مردم برطرف شود

از سید علی سیف در باره دیگر فعالیت‌های فرهنگی اش می‌پرسیم. پاسخ او چنین است: «اگر بخوام آمار و عدد بدهم، باید بگویم در سال ۱۰ هزار جلد کتاب رایگان می‌دهم. هشت کتابخانه‌سیار در سطح مساجد و حاشیه شهر تأسیس کرده‌ام. همیشه کتاب در دست دارم و هر جا که می‌روم به اطرافیانم می‌دهم. تفاوتی نمی‌کند در مطب دکتر باشم یا بازار یا مترو و اتوبوس. بعضی‌ها به من می‌گویند آقای کتاب. با همه رفیق شده‌ام و با افراد زیادی ارتباط گرفته‌ام. حتی به سراغ بازیافتی‌های شهر نیز رفته‌م فقط ۲ هزار جلد کتاب از بازیافتی‌های سطح شهر جمع‌آوری کردم، کارهایی در موضوع‌های مختلف تربیتی و روان‌شناسی و دینی و مذهبی.» او در ادامه صحبت‌هایش به محدود نمودن حوزه فعالیت‌هایش در مشهد و اطراف آن اشاره می‌کند: «قبل از اینکه طالبان قدرت را در افغانستان به دست بگیرد، کتابخانه‌ای در هرات بود که در یک اطلاعیه در چهارراه شهیدا دیدم نیاز مبرمی به کتاب دارد. حدود ۴ هزار جلد کتاب بسته‌بندی کردم و فرستادم هرات.»

روایت داغ خبرنگار ایرانی از جنگ روسیه و اوکراین

صاحب خبر

در حالی که همچنان آتش جنگ میان روسیه و اوکراین زبانه می‌کشد، یک خبرنگار ایرانی کتابی در باره آن راهی بازار نشر کرده است.

کتاب «خبرنگار دو دلاری: روایت چهل روز سفر به اوکراین در اولین جنگ اروپایی قرن جدید» شرح مشاهدات حامد هادیان، خبرنگار ایرانی، است که از نزدیک ناظر این جنگ بوده است. در بخشی از کتاب آمده: «شب، از یک مسافر خانه قدیمی در خارکف به علی

عکس: جواد کرمانی / شهر آرا



بصامت کتاب و کتاب خوانی مشهد

اگر دین را به معنای واقعی در بطن جامعه پیاده کنیم و انسان‌ها را کتاب‌خوان و با معیارها و ملاک‌های دین آشنا کنیم جواب خوبی می‌گیریم. حتما جواب می‌دهد که من هفده سال است دارم این کار را انجام می‌دهم، البته شرطش این است که نخست نیازهای بنیادینی چون کار، اقتصاد، بهداشت و دارو و درمان مردم برطرف شود. هفده سال است دارم با جوان‌ها کار می‌کنم و در همه این سال‌ها به این نتیجه رسیده‌ام که کتاب باید به آسانی به دست جوانان ما برسد. به همین علت هم از استفاده‌کنندگان از این کتابخانه حق عضویت نمی‌گیرم و اگر اتفاقی برای کتاب‌ها رخ بگذارد، بهد بخورد بدی هم نمی‌کنم.»

مردمی که کتاب‌نذری می‌دهند

هدیه دادن کتاب و تشویق به کتاب‌خواندن البته تنها کاری نیست که این مرکز فرهنگی کوچک انجام می‌دهد. فعالیت‌های جانبی عام‌المنفعه و فرهنگی دیگری نیز به واسطه این کتابخانه صورت می‌گیرد. طرح «نذر کتاب»، یکی از همین فعالیت‌هاست: «بعد از مدتی که فعالیت‌ها روی روال افتاد به این فکر کردم که چگونه می‌شود بهتر کار کرد و کارهای بهتری انجام داد. اینکه چگونه می‌توانم کتاب‌های بیشتر و متنوع‌تری برای هدیه‌دادن داشته باشم. همین افکار شد آغاز شکل‌گیری طرح نذر کتاب. حالا خیلی‌ها رنگ می‌زنند و می‌گویند کلی کتاب نذر کرده‌اند و از من می‌خواهند کتاب‌هایشان را تحویل بگیرم و به صورت هدیه در اختیار دیگران بگذارم.» فعالیت‌هایی مانند معرفی متقاضیان برای خدمات مشاوره‌ای رایگان یا حتی کارهایی چون جمع‌آوری لباس و نوشتن افزار برای مناطق محروم از دیگر برنامه‌های کتابخانه یاس نبی است که در کنار ترویج فرهنگ مطالعه انجام می‌شود.

پیام دادم: صدای بمب‌ها بیشتر از اینکه ترسناک باشد گیج‌کننده است. شب بود و ظلمات محض. با صدای انفجاری مهیب در همان حوالی از خواب پریدم و فکر کردم تو مانند انسانی ناتوان هر ثانیه منتظر تصمیم یک گلوله سرگردان هستی که به تو برسد یا نه! علی جواب داد: اگر نمیری عادت می‌کنی. «خبرنگار دو دلاری» را انتشارات سوره مهر به تازگی در ۳۲۷ صفحه به چاپ رسانده است.



در آیین رونمایی از کتاب تازه نویسنده مشهدی مطرح شد

فضای مجازی، فصل مشترک داستان‌های یک کتاب

داستان‌هایی کوتاه که به گفته او در جشنواره‌های مختلف جوایزی را کسب کرده‌اند. در ادامه این برنامه، حسین عباس‌زاده، داستان‌نویس، در معرفی کتاب «مجاز» توضیحاتی داد. او گفت: داستان «مخروط» در این کتاب شخصیتی دارد که به خاطر فضای مجازی درگیر مشکلاتی می‌شود. شخصیت داستان «ساعتی» هم که دزد است با استفاده از فضای مجازی اقداماتش در زندگی را پیش می‌برد. از این رو، داستان‌های کتاب از لحاظ ساختار کلی آن داستان‌های محکمی هستند.

این فعال ادبی ادامه داد: زبان نویسنده در این داستان‌ها بسیار ساده و بدون اغراق است و مخاطب را درگیر خود می‌کند و اجازه می‌دهد شخصیت‌ها در بستر داستان شکل بگیرند. این پاکیزگی در زبان برای یک داستان بسیار مهم است، چرا که اولین موضوعی که درباره نویسنده قضاوت می‌شود، زبان اوست. عباس‌زاده افزود: بازنویسی نقش بسیار مهمی در به قوام رسیدن اثر دارد و داستان‌های «مجاز» هم مشخصاً همین روند را طی کرده و چندین بار بازنویسی شده‌اند. در پایان آیین رونمایی و جشن امضای مجموعه داستان یساده‌شده، نویسنده بخشی از کتاب را برای حاضران قرائت کرد.



حسین زاده

سومین کتاب نویسنده مشهدی، شامل داستان‌هایی با محوریت فضای مجازی، در مشهد رونمایی شد. آیین رونمایی و جشن امضای مجموعه داستان «مجاز» به قلم جواد ترشیزی با حضور نویسنده اثر و جمعی از نویسندگان و دوست‌داران کتاب در کافه کتاب «آنجا» برگزار شد. در آغاز این نشست، نویسنده اثر توضیحاتی درباره کارنامه ادبی خود ارائه کرد. ترشیزی از رمان عامه‌پسند «دیوار بهشت» یاد کرد که سال ۱۳۸۹ به چاپ رسید و همچنین نخستین داستان بلند جدی‌اش «قطار ابدی» (چاپ سال ۱۴۰۰) و مجموعه داستان‌ش «مجاز» که به تازگی انتشار یافته است. او با اشاره به ارتباط نام کتاب با فضای مجازی، توضیح داد: داستان‌های مجاز همه در سال ۹۵ و ۹۶ و با این تصمیم که به یک مجموعه داستان تبدیل شوند نگاشته شدند. این داستان‌ها خط اشتراکی با یکدیگر دارند، اگر چه به هم پیوسته نیستند. شخصیت‌های هر داستان مستقل‌اند، اما یک عنصر تکرار شونده در همه این کارها وجود دارد که هم طرح جلد کتاب و هم عنوان آن به این فصل مشترک اشاره می‌کند. این نویسنده مشهدی اظهار کرد: شبکه‌های اجتماعی سبک زندگی، ارتباطات، زندگی کاری و تمام تجربه ما را تحت الشعاع قرار داده است و روزمرگی ما تحت تأثیر فضای مجازی است. طراحی جلد کتاب هم بیانگر توجه تمام جامعه به فضای مجازی است.